

## بررسی سندی روایات «الارشاد» شیخ مفید (از دوران امام سجاد(ع) تا امام عصر(عج))

Documentary Evaluation of the Traditions in Al-Irshad by Sheikh Mufid (from the era of Imam Sajjad to Imam Al-Mahdi)

علیرضا دلافکار  
دانشیار دانشگاه پیام نور delafkar@pnu.ac.ir

زهرا خیراللهی  
استادیار دانشگاه پیام نور kheinolahi@yahoo.com

رضا عرب‌تبریزی  
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور reza\_tabrizi5@yahoo.com

### abstract

The book "Al-Irshad" by Sheikh Mufid (d. 413 AH) is the first narrative-historical work regarding the lives of the Twelve Imams (peace be upon them) and is considered a turning point in Shiite historiography. Sheikh Mufid wrote it to establish the Imamate of the Shiite Imams. He aimed to narrate the history of the Imams (peace be upon them) based on traditions transmitted from the infallibles, adopting a theological approach. A significant portion of the traditions cited in "Al-Irshad" are regarded as weak by later hadith scholars. Although Sheikh Mufid sometimes refrains from mentioning the chain of narrations for historical events, unlike other historians, he frequently includes the chain to strengthen the credibility of the historical narrative. This article aims to examine and evaluate the traditions concerning the lives of Imam Sajjad (peace be upon him) to Imam Al-Mahdi (peace be upon him) in terms of their authenticity, revealing the reliability and accuracy of the traditions in this work. The findings indicate that regarding the period of the last nine Imams, there are virtually no fabricated hadiths, although some traditions are considered weak by later scholars; however, the number of weak hadiths decreases as we approach the end of the book.

### keyword

Al-Irshad, Sheikh Mufid, traditions, documentary evaluation, Shiite historiography.

### چکیده

کتاب *الارشاد* شیخ مفید (د. ۴۱۳ق) اولین کتاب روایی - تاریخی درباره زندگی ائمه اثنی عشر(ع) است که در نوع خود، نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری شیعه محسوب می‌شود و شیخ آن را در اثبات امامت ائمه شیعه به نگارش درآورده است. در حقیقت او کوشیده است بر مبنای روایات منقول از معصومین، و با رویکردی کلامی، به روایت تاریخ زندگی ائمه(ع) بپردازد. بخش قابل‌توجهی از روایات نقل‌شده در *الارشاد* از منظر متأخران علم حدیث ضعیف هستند و شیخ مفید، اگرچه در نقل‌های خود از وقایع تاریخی، مانند دیگر آثار تاریخی، گاهی از ذکر سند

روایات خودداری کرده است، اما در اغلب موارد و متفاوت از رویکرد دیگر مورخان، جهت تقویت اعتبار روایت تاریخی، سند روایت را هم ذکر می‌کند.

این مقاله در صدد است روایات مربوط به تاریخ زندگانی امام سجاد(ع) تا امام عصر(ع) را به‌لحاظ سندی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد تا میزان اعتبار و صحت روایات این اثر معلوم شود. نتیجه بررسی حاکی از آن است که در باب دوران نُه امام آخر، تقریباً هیچ حدیث معمولی به چشم نمی‌خورد ولی برخی احادیث از منظر متأخران ضعیف به شمار می‌رود که هرچه به آخر کتاب نزدیک می‌شویم از میزان احادیث ضعیف کاسته می‌شود.

**کلیدواژه:** الارشاد، شیخ مفید، روایات، بررسی سندی، تاریخ‌نگاری شیعه

## بیان مسئله

کتاب *الارشاد*، اولین کتاب روایی - تاریخی کامل درباره زندگانی امامان معصوم(ع) است که در آن شیخ مفید بر اساس روایات، به ذکر تاریخ پرداخته و این روش او تأثیر چشمگیری در کتب تاریخی بعد از آن داشته است. برخی از روایات نقل شده در کتاب *الارشاد*، ضعیف هستند و شیخ مفید در کتاب *الارشاد*، ضمن نقل تاریخی، از نقل سند در برخی از روایات و وقایع خودداری کرده و تنها به نقل واقعه و روایت می‌پردازد، ضمن آنکه روایت مرسل در بین روایات به چشم می‌خورد و از سوی دیگر منابع مورد استفاده شیخ مبهم می‌باشد، تمام این موضوعات نشانگر ضرورت اعتبارسنجی روایات این کتاب است.

با توجه به مسائل فوق، این مقاله از حیث سندی، به بررسی رآوی روایات مربوط به دوران امام سجاد(ع) تا حضرت حجت(عج)، در کتاب *الارشاد* می‌پردازد تا روایات مجعول را از روایات متقن و معتبر بازشناسی کند و مشخص کند که روایت صحیح و معتبر از منظر شیخ مفید کدام است.

## پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش کامل و جامعی در بررسی اعتبار سندی و محتوایی احادیث موجود در کتاب *الارشاد* صورت نگرفته است. در مقالات منتشرشده درباره شیخ مفید، غالباً جنبه کلامی و فقهی اندیشه‌های شیخ مفید مطرح نظر بوده و بررسی‌های فقه‌الحدیثی و رجالی کمتر در آثار شیخ مفید صورت گرفته است.

برخی از آثار و تحقیقات صورت گرفته درباره آثار شیخ مفید و خصوصاً کتاب *الارشاد*، به شرح ذیل می‌باشد:

۱. «شیخ مفید و تاریخ نگاری او در کتاب *الارشاد* با توجه به برخی مبانی کلامی و اصولی او» تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی (۱۳۸۶): در این مقاله، نویسنده ضمن اشاره به اینکه گام نخست در نقد و بررسی تاریخ‌نگاری شیخ مفید، آشنایی با برخی مبانی کلامی و اصولی وی می‌باشد عنوان می‌کند نوعی تقدم کلام بر تاریخ را می‌توان در کتاب *الارشاد* مشاهده کرد.
۲. «*الارشاد* و تاریخ نگاری زندگانی ائمه علیهم‌السلام» تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی (۱۳۸۷): در این مقاله، نویسنده با نگاهی نقادانه به سراغ کتاب *الارشاد* رفته و به برخی از کاستی‌های کتاب، تناقضات یا تناقض‌نماها و به برخی از گزینش‌های غیرروشمند شیخ مفید از منابع مختلف اشاره می‌کند.
۳. «منابع شیخ مفید در گزارش‌های تاریخی» اثر قاسم خانجانی (۱۳۸۷): در این مقاله، نویسنده به ذکر منابع شیخ مفید در تالیف دو کتاب «*الجمل*» و «*الارشاد*» می‌پردازد و اشاره می‌کند که شیخ مفید در برهه‌ای از تاریخ قرار گرفته که رشد و توسعه علوم اسلامی در اوج خود بوده و به بسیاری از منابع دسته اول دسترسی داشته است که این منابع، بعدها از بین رفته‌اند.

در این میان می‌توان به برخی از آثار اشاره کرد که به بررسی منهج حدیثی و مبانی فقه الحدیثی شیخ مفید پرداخته‌اند اما این آثار نیز هیچ‌کدام به بررسی سندی کتاب *الارشاد* التفاتی نداشته‌اند. آثاری همچون؛

۱. «روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید» اثر علی‌نقی خدایاری (۱۳۸۹): نویسنده در این مقاله، به روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید پرداخته و آنها را بر اساس اهمیت، به چهار دسته نقد متن‌محور، نقد سندمحور، نقد مأخذمحور، قرینه‌های عدم صدور یا قابل اخذ نبودن حدیث تقسیم کرده است.

۲. رساله دکتری با عنوان «بررسی تطبیقی مبانی و روش علامه مجلسی و شیخ مفید در نقل، فهم و نقد روایات تاریخی» تألیف مریم نساج (۱۳۹۵): نگارنده در این رساله تلاش کرده تا با بررسی تطبیقی میان مبانی و روش شیخ مفید و علامه مجلسی در نقل، نقد و فهم روایات تاریخی به بازشناسی معیارها و اصول ایشان در گزارش و گزینش، تحلیل و تبیین محتوایی و اعتبارسنجی روایات تاریخی بخش ائمه(ع) بپردازد.
۳. رساله دکتری با موضوع «مبانی و منهج حدیثی شیخ مفید» نوشته محمدعلی تجری (۱۳۸۷): در این رساله، سعی شده تا به اصول و معیارهای فهم صحیح احادیث در آثار شیخ مفید بپردازد تا بتواند از دیدگاه شیخ مفید، احادیث سره را از ناسره تشخیص دهد، کاری که نیازمند بررسی‌ها و ارزیابی‌های سندی و دلالتی است و قواعد و شیوه‌های خاص خود را دارد.
۴. پایان‌نامه با عنوان «مبانی فقه‌الحدیثی شیخ مفید» تألیف مرضیه‌سادات میرحسینی (۱۳۹۱): نویسنده در این مکتوب، قصد دارد تا به روش‌ها و مبانی فهم حدیث و همچنین ملاک‌ها و معیارهای نقد حدیث از دیدگاه شیخ مفید در خلال آثار وی بپردازد.

### جایگاه کتاب الارشاد

کتاب الارشاد با نام کامل «الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد» از همان زمان تألیفش مورد توجه قرار گرفت، به طوری که می‌توان گفت این کتاب مهم‌ترین نوشته در موضوع تاریخ زندگانی تمامی ائمه(ع) از سوی یک متکلم شیعی می‌باشد زیرا بیشتر این‌گونه تألیفات از سوی علما و دانشمندان اخباری، و آن هم نه از دانشمندان اخباری تراز اول، بلکه در رده‌های دوم و پائین‌تر نوشته شده است. شیخ مفید در راستای تألیف کتاب الارشاد از اسناد و منابع گوناگون استفاده کرده و چهره‌های معقول از تاریخ حیات ائمه(ع) ارائه داده است، چهره‌ای که با مبانی کلامی وی هماهنگ بوده و بعدها این مبانی کلامی مورد پذیرش جامعه شیعی قرار گرفته است.

از دیگر عوامل توفیق این کتاب، نگارش روان و حجم متناسب آن است که اطلاعات مختلفی را در ابعاد گوناگون حیات ائمه(ع) در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد. این عوامل باعث شده تا الارشاد در طول تاریخ همیشه مورد توجه باشد و اکثر قریب به اتفاق علما برای نوشتن تاریخ زندگانی ائمه(ع) از این کتاب بهره‌ها ببرند.

با دقت در عنوان کتاب و ملاحظه مقدمه آن متوجه نکات مهمی می‌شویم؛ از جمله هدفی که شیخ از نگارش کتاب عنوان کرده است: «آشنایی مردم با حجت‌های خداوند بر بندگانش». چنانکه شیخ در ذیل هر باب از زندگانی ائمه(ع) به ذکر دلایل امامت وی، نصوص وارد شده در اثبات امامت هر امام، و نیز بیان موارد و مصادیقی از معجزات ائمه(ع)، برای اثبات امامت ایشان می‌پردازد.<sup>۱</sup>

### منابع شیخ مفید در تألیف کتاب الارشاد

در یک دسته‌بندی ساده می‌توان مآخذ شیخ مفید در تألیف کتاب الارشاد را به دو دسته عمده منابع تاریخی و منابع روایی (اسناد) تقسیم کرد. منظور از منابع، کتبی است که در دسترس شیخ بوده و وی به طریق «وجاهه» از آن کتاب به نقل روایت پرداخته که در برخی موارد، شیخ به اصل کتاب (نسخه اصلی به خط مؤلف) دسترسی داشته است، مانند کتاب مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ ق).

در خصوص منابع تاریخی باید گفت که بیشترین استفاده شیخ، از منابع اهل سنت بوده و در بخش اول کتاب (زندگانی امیرالمومنین(ع)) آمده است. در منابع روایی، شیخ کمتر به نام کتاب اشاره کرده و همانطور عرف آن زمان بوده، بیشتر به ذکر سند تأکید داشته که با مستندیابی الارشاد، می‌توان هماهنگی موجود میان این کتاب و منابع روایی شیعه و اهل سنت را درک کرد. در خصوص بهره‌مندی شیخ مفید از منابع اهل سنت باید گفت بیشترین استفاده وی، از کتب صحاح، خصوصاً سنن ابن‌ماجه (۲۷۳ق)، سنن ترمذی (۲۷۹ق)، مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ق) و مستدرک حاکم نیشابوری (۴۰۵ق) است. در میان منابع روایی شیعه نیز، شیخ مفید از کتب شیخ صدوق (۳۸۱ق)، کامل الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه (۳۶۸ / ۳۶۹ ق)، الکافی کلینی (۳۲۹ ق)، اثبات الوصیه مسعودی (متوفی نیمه اول قرن چهارم هجری) و در بخش امام زمان(عج) از کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (حدود

<sup>۱</sup>. شیخ در انتهای کتاب الارشاد تصریح می‌کند «و فیما رسمناه من موجز الاحتجاج علی امامة الأئمة و مختصر من اخبارهم کفایة فیما قصدناه و الله ولی التوفیق و هو حسبنا و نعم الوکیل» (مفید، ۱۳۸۶: ۳۸۹/۲).

۳۶۰ ق) استفاده کرده است. در بخش روایت معجزات و جنبه فرابشری ائمه(ع)، شیخ مفید ظاهراً بیشتر از نوشته‌های صفار، کلینی و مسعودی بهره برده است (نک. خانجانی، ۱۳۸۷: ۲۵).

لازم به ذکر است از آنجا که *الارشاد* مرجع اصلی کتب بعد از خود قرار گرفته، اگر روایتی را بدون سند آورده باشد در منابع متأخرتر نیز معمولاً بدون سند آمده و به کتاب *الارشاد* ارجاع شده است. البته به‌قدرت اتفاق می‌افتد که روایتی با سند متفاوت در کتاب دیگری ذکر شده باشد. در خصوص منابع شیخ مفید نیز باید گفت که برخی از منابع شیخ در تألیف *الارشاد* از بین رفته و امکان بازیابی سند روایت وجود ندارد. در مجموع باید گفت، کمتر روایتی یافت شد که در منابع مختلف اسناد متعدد داشته باشد.<sup>۲</sup> موارد اندکی از روایات نیز کلاً بدون سند باقی ماند و هیچ سندی برای آن یافت نشد.

### بررسی سندی کتاب «الارشاد»

بنای علمای تاریخ بر آن است که هرگاه در یک رویداد تاریخی ظن و گمان برای مورخ حاصل شود (البته ظن و گمانی که معارض عقلی یا نقلی نداشته باشد) آن مطلب را به عنوان یک گزاره تاریخی می‌پذیرند. از این روست که نویسندگان کتب تاریخی هیچ‌گاه ادعای قطع و یقین در کتب خود نمی‌کنند. بر این اساس مورخان سعی می‌کنند تا حد امکان گزاره‌های تاریخی را به شیوه‌ها و طرق ممکن به قطع و یقین نزدیک کنند (وکیلی، ۱۳۹۵: ۲۳). شیخ مفید در کتاب *الارشاد* تلاش می‌کند تا این ضعف را از طریق ذکر اسناد صحیح و اعتماد بر کتب معتبر برطرف کند. از آنجا که نقل تاریخی در کتاب *الارشاد* به شیوه کتب حدیثی می‌باشد، لازم است روایات هر باب را از نظر سندی بررسی کنیم که بتوانیم تا حدی به اعتبارسنجی کتاب پردازیم.<sup>۳</sup>

بررسی سندی روایات به پژوهشگران کمک می‌کند تا ضمن ارزیابی روایات و روایان کتاب *الارشاد*، متوجه شوند که شیخ مفید تا چه میزان نسبت به وثاقت روایان و صحت روایات اهتمام داشته و چه مقدار به نقل روایات ضعیف پرداخته است. البته فایده مهم‌تر این ارزیابی آن است که با بررسی بیشتر این موضوع، پژوهشگر می‌تواند تفاوت نگاه متقدمان و متأخران را نسبت به روایان ضعیف و احادیث ایشان مشخص نماید.

در ادامه تکتک روایات جامعه هدف این مقاله، از نظر سندی و وضعیت روایان آن، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

### بررسی مفهوم «حکم رجالی» در سند روایات

هنگامی که به بررسی سند روایتی می‌پردازیم با واژگان و اصطلاحاتی مواجه می‌شویم که نیاز به توضیح دارد. یکی از مفاهیم اساسی‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد نحوه قضاوت دانشمندان علم رجال درباره روایان حدیث

<sup>۲</sup>. شیخ مفید برخلاف آنچه رسم بوده، در ابتدای کتاب *الارشاد*، سلسله اسناد روایان موجود در کتاب را توثیق نمی‌کند و این مطلب را مسکوت می‌گذارد.

<sup>۳</sup>. در این بخش با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای «درایة الحدیث» (نسخه ۱،۲)، «جامع الاحادیث» (نسخه نور ۳،۵) و رجال شیعیه، حتی‌الامکان از منابع متعدد رجالی متقدم و متأخر استفاد شده است. لازم به ذکر است در خصوص استفاده از منابع رجالی از علائم اختصاری استفاده نشده و نام کامل منابع آورده شده است.

<sup>۴</sup>. برای بررسی وضعیت وثاقت یا ضعف یک راوی، ابتدا به کتب متقدم رجالی شامل *رجال نجاشی*، *رجال ابن‌غضائری*، *رجال کثی* (*اختیار معرفة الرجال* املا شیخ طوسی به شاگردش)، *رجال طوسی* و *فهرست طوسی* مراجعه شده است. در مرحله بعد، کتب رجالی متأخر همچون *رجال برقی* و خلاصه علامه حلی مشاهده شده و درنهایت، اگر اسم یک راوی در کتب رجالی متقدم و متأخر یافت نشد به کتاب‌های رجالی معاصر همچون کتاب *معجم الرجال و تفصیل طبقات الرواة* آیت‌الله خویی و درنهایت کتاب *مستدرکات علم رجال الحدیث* نمازی شاهرودی مراجعه شده است.<sup>۴</sup>

در خصوص ارزیابی روایات باید گفت تمامی احادیث هر بخش به تفکیک روایان (کل روایان سند) بررسی شده و در پایان هر حدیث، میزان درجه اعتبار سند مشخص شده است. برای بررسی سندی هر روایت، سایر منابع متقدم بر *الارشاد* و حتی منابع متأخرتر مشاهده شده و اگر روایت دارای سند دیگری نیز بوده ذکر شده است. این امر در خصوص روایاتی که در *الارشاد* بدون سند آمده با دقت بیشتری صورت گرفته که تا حد امکان سند روایات مشخص شود. موارد اندکی از روایات نیز کلاً بدون سند باقی ماند و هیچ سندی برای آن یافت نشد.

در مورد هر روایت، با استخراج نام راوی، بررسی وضعیت وثاقت و ضعف راوی و سپس، نام مهم‌ترین کتب رجالی که به وضعیت راوی اشاره کرده است. (اگر اسم راوی در چند کتاب رجالی آمده باشد، مهم‌ترین موارد مورد توجه قرار گرفته است.)

است. به نگاه دانشمند رجالی دربارهٔ راوی «حکم رجالی» گفته می‌شود. کارکرد حکم رجالی در تعیین وثاقت و ضعف راوی می‌باشد.

گام اول دانشمند رجالی، جمع‌آوری قرائن و شواهد برای حکم و داوری در خصوص راوی است. رجالی این شواهد را از طریق متن‌کاوی انجام می‌دهد، یعنی کتاب راویان را بررسی می‌کند و از نتیجهٔ این بررسی و کاوش، حکم به وثاقت و ضعف راوی می‌کند. زمانی که رجالی تصمیم به جمع‌آوری شواهد و قرائن می‌کند، دو حالت برای وی متصور خواهد بود:

- قرینه و شاهی برای حکم‌کردن نمی‌یابد.

- قرائن و شواهد موجود است. در این مورد سه حالت متصور است: اول آنکه قرائن و شواهد دلالت بر ضعف راوی می‌کنند؛ دوم آنکه شواهد دلالت بر توثیق راوی دارند؛ و سومین حالت آنکه قرائن متفاوت است، یعنی برخی دلالت بر توثیق و برخی دیگر دلالت بر تضعیف راوی می‌کنند.

از سوی دیگر باید در خصوص راویان یک کارکرد دیگر را نیز در نظر گرفت؛ برخی از راویان صاحب اثر هستند و نگاشته‌های حدیثی دارند، برخی دیگر خود دارای نگاشته حدیثی نیستند اما در طریق انتقال آثار دیگر راویان قرار می‌گیرند، و دستهٔ سوم روایانی هستند که هم خود صاحب آثار هستند و هم در طریق روایات دیگران قرار می‌گیرند. بر این اساس، دانشمندان رجالی متقدم، یک کارکرد اصلی یا نقش استقلالی برای راویان صاحب اثر در نظر می‌گرفتند و یک کارکرد تبعی یا نقش طریقی برای راویان ناقل اثر قائل بودند. پیامد موضوع فوق این خواهد بود که در مورد بسیاری از روایانی که نقش طریقی دارند، به‌رغم پرکار بودن، هیچ‌گونه توثیق یا تضعیفی در منابع رجالی مشاهده نمی‌کنیم و از سوی دیگر ضعف روایانی که نقش استقلالی دارند در نقل آثار دیگران مانعی ایجاد نمی‌کند (حسینی شیرازی، ۱۴۰۱: ۲۶). این موارد را در خصوص روایات مورد استفادهٔ شیخ مفید در کتابش فراوان می‌توان مشاهده کرد. به‌عنوان شاهد مثال می‌توان به «ابراهیم بن هاشم» اشاره کرد که نام وی در سند روایات کتاب *الارشاد* به‌کثرت دیده می‌شود. او از جمله روایانی است که نقش طریقی یا تبعی وی در سند روایات بسیار پررنگ‌تر از نقش استقلالی او است. شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* با وجود جایگاه ابراهیم بن هاشم هیچ حکمی در خصوص وی نمی‌کند و عبارت وی از واژگان توثیق و تضعیف تهی است<sup>۵</sup> (طوسی، ۱۳۵۶: ۱۲). عبارات نجاشی دربارهٔ ابراهیم بن هاشم نیز همین‌گونه است (نک. نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۸). با وجود توضیحات فوق می‌بینیم که شیخ مفید به روایات ابراهیم بن هاشم اعتماد کرده و روایاتی را که وی در طریق سند آن قرار گرفته است صحیح می‌داند.

## ۲. دلایل استفادهٔ شیخ مفید از روایات راویان ضعیف:

در بررسی روایات کتاب *الارشاد* بسیار با این مورد مواجه می‌شویم که در سند روایات مورد استفادهٔ شیخ افراد ضعیف به‌چشم می‌خورد. در توضیح این مورد دلایل مختلفی را می‌توان برشمرد که از جملهٔ مهم‌ترین آنها نوع نگرش متقدمان به حدیث صحیح و ضعیف می‌باشد.<sup>۶</sup> در ادامه به برخی از دلایلی که شیخ مفید به سراغ احادیث راویان ضعیف رفته است می‌پردازیم.

### ۱-۲. اختلاف در باورهای کلامی:

یکی از عوامل تأثیرگذار در توثیق یا تضعیف راویان اختلاف باورهای کلامی و اعتقادی اصحاب با یکدیگر بوده است. توضیح آنکه اختلاف در باورهای کلامی باعث می‌شد که راویان یکدیگر را تضعیف و چه‌بسا تکفیر کنند. این اختلافات گاه تا آنجا پیش می‌رفت که ائمهٔ اطهار (ع) این کار را کاری ناروا و ناپسند می‌شمردند، تا جایی که پیامد این رفتار را خروج از ولایت اهل‌بیت (ع) می‌دانستند. (کلینی، ۴۰۷: ۵۶۵/۳).

۵. دربارهٔ وی چنین می‌گوید: «ابراهیم بن هاشم أبوإسحاق، القمی، اصله الکوفه و انتقل الی قم و اصحابنا یقولون: إنه اول من نشر حدیث الکوفیین بقم و ذکروا أنه لقی الرضا علیه السلام و الذی اعرف من کتبه کتاب النوادر و کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام.»  
۶. از نظر متقدمان علم راوی بر صحت صدور حدیث از معصوم (ع) دلیل بر صحیح‌بودن حدیث محسوب می‌شده است، درحالی‌که این معیار طبیعتاً برای متأخران قابل دسترسی نبوده و به‌همین جهت برای صحت‌سنجی یک حدیث به سراغ راویان سند آن حدیث می‌روند.

در مکتب قم کسانی را که قائل به سهو النبی نبودند غالی می‌دانستند، در حالی که از نظر شیخ مفید قائلان به سهو النبی و سهو الامام مقصر هستند («غلات از دیدگاه شیخ مفید، ۱۳۷۱: ص ۱۹۳»). همین مطلب می‌تواند منجر به این شود که شیخ مفید در آثار خود از روایاتی بهره ببرد که در کتب رجالی به‌عنوان غالی معرفی شده‌اند، گرچه از نظر شیخ مفید ایشان غالی نبوده‌اند.

## ۲-۲. نسبت با غلاة

از دیگر عوامل تأثیرگذار در توثیق یا تضعیف روایان، نسبت آنان با جریان انحرافی غلو است. دو ویژگی اصلی این جریان را می‌توان این‌گونه برشمرد؛ یکی کاستن از عظمت خداوند با گستراندن باور به ربوبیت امامان (ع) و دیگری ترویج اباحه‌گری و فقه‌گریزی در بستر جامعه.

در سند روایاتی که شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده، نام افرادی همچون حسن بن محمد بن یحیی علوی، وهب بن وهب ابوالبختری، عمار بن موسی سبابی، محمد بن سنان و ... به چشم می‌خورد که این افراد از نگاه دانشمندان علم رجال ضعیف می‌باشند و با عباراتی همچون «ضعیف جداً»، «لا یعول علیه»، «لا یلتفت الی ما تفرّد به»، «مطعون علیه بالغلو»، «طعن علیه بالغلو»، «کان کذاباً»، «یضع الحدیث مجاهرة»، «وضّاع»، «کثیر المناکیر» و ... توصیف شده‌اند.

حال سؤال اینجاست که چرا شیخ مفید از روایات این افراد در کتاب خود استفاده کرده و چگونه به این روایات اعتماد کرده است؟ ملاک شیخ مفید در پذیرش یا رد روایات چه بوده است؟

معیار شیخ مفید در قبول یا ردّ احادیث، علم به صحت حدیث و قطع به صدور آن از ناحیه معصوم می‌باشد، لذا از نظر وی خبر متواتر، خبر مرسل مورد عمل امامیه و خبر واحد مقرون به قرینه علم‌آور پذیرفته است و خبر واحد بدون قرینه صدور، به دلیل ظنی بودن، فاقد اعتبار است. شیخ در فقه‌الحدیث و انتخاب احادیث صحیح‌المضمون، از روش‌هایی همچون اختلاف نقل‌ها و گزینش نقل صحیح، التزام به ظاهر حدیث، شناخت عام و خاص، استفاده از نکات بلاغی و ادبی، تشخیص احادیث ناسخ از منسوخ، استفاده از قرائن پیوسته لفظی و غیرلفظی و قرائن ناپیوسته لفظی، مثل آیات قرآن و احادیث و اشعار شاعران برجسته عرب بهره برده است. در نقد و بررسی سند روایت نیز، معیارهایی همچون ویژگی‌های روایان، منبع و مأخذ حدیث و سند روایت برای شیخ مفید اهمیت داشته و در نقد متن، مخالفت با قرآن، سنت قطعی، برهان عقلی، اجماع، مسلمات تاریخی و امور حسی و همچنین اضطراب و تناقض درون متنی و ... جزء مهم‌ترین معیارهای انتخاب حدیث می‌دانسته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ج: ۲۹).

## ۳-۲. روایت ضعیف و راوی ضعیف

مفهوم ضعیف یکی از اصطلاحات پرکاربرد در کتب رجالی محسوب می‌شود. از نگاه اعتبارسنجی سندی احادیث، اگر راوی ضعیف در سند روایتی وجود داشته باشد، آن روایت از نظر ارزش و اعتبار ضعیف محسوب شده و به نوعی از اعتبار پایینی برخوردار خواهد بود. وقتی به نوع نگاه و رویکرد گذشتگان مراجعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که ایشان نه‌تنها در احادیث روایان ضعیف به یک‌باره خط بطلان نمی‌کشیدند، بلکه در بعضی مواقع احادیث راوی ضعیف را می‌پذیرفتند و به آن اعتماد می‌کردند. در حقیقت میان «روایت ضعیف» و «روایت راوی ضعیف» تفاوت است؛ بدین معنی که دانشمندان به روایت ضعیف عمل نمی‌کردند و آن را ترک می‌گفتند اما روایت راوی ضعیف را در صورتی که از قرینه صدق برخوردار باشد، می‌پذیرفتند.

همچنین ایشان احادیث منفرد راوی ضعیف را طرد می‌کردند؛ یعنی احادیثی که تنها روایت‌کننده آن ضعیف باشد و قرائن صدور و درستی استناد به معصوم را با خود همراه نداشته باشد. از سوی دیگر گاهی نحوه برخورد با راوی ضعیف به این صورت بوده که احادیث منفرد او پذیرفته نمی‌شده، اما آنچه از کتب پیشینیان نقل کرده مورد توجه قرار می‌گرفته است.

در ادامه، به ذکر چند شاهد از روایان ضعیف که احادیث منفرد ایشان غیرقابل اعتماد می‌باشد، اما سایر روایات ایشان پذیرفته شده و شیخ مفید در الارشاد از ایشان نقل روایت کرده، می‌پردازیم.

## ۲-۳-۱. اسحاق بن محمد بن احمد نخعی:

ابویعقوب اسحاق بن محمد بن احمد بصری نخعی (د. ۲۸۶ ق) از نوادگان حارث نخعی برادر مالک اشتر می‌باشد. صاحبان کتب رجال حدیث وی را مورد طعن قرار داده و تضعیف کرده‌اند. نجاشی وی را فاسد المذهب و معدن

تخلیط نامیده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۳). ابن غضائری نیز وی را در زمرة ضعفا نام برده (ابن غضائری، بی تا: ۴۱). کثی نیز وی را غالی بلکه از ارکان غلات می‌داند (کثی، ۱۴۰۴: ۱۸) و شیخ طوسی نیز به متهم بودن وی به غلو اشاره می‌کند (طوسی، ۱۳۷۶: ۳۸۴).

در کتاب‌های رجالی معمولاً وقتی از تعبیراتی همچون «فاسد المذهب»، «فاسد الاعتقاد»، «مخاط» یا «اهل تخلیط» استفاده شده است. منظور اشاره به غلاتی است که اصطلاحاً ایشان را «غلات طیاره» می‌نامیدند. این افراد ائمه(ع) را خدا می‌دانستند و با تفسیرهای باطنی خود از ربه اسلام و تشیع خارج شده و برای خود گروه‌های مستقل و جداگانه تشکیل می‌دادند. تعبیراتی نظیر «اهل الارتفاع»، «فی مذهب (یا فی حدیث) ارتفاع»، «مرتفع القول»، «فیه غلو یا ترفع» نیز اشاره به غلاتی دارد که اصطلاحاً ایشان را «مفوضه» می‌نامیدند. ایشان گرچه ائمه(ع) را خدا نمی‌دانستند اما از مقام واقعی خود بالاتر برده و ایشان را افرادی فرابشری و غیرطبیعی معرفی می‌کردند. این افراد از جرگه تشیع خارج نمی‌شدند اما به روایات ایشان نیز نمی‌شد استناد کرد (مدرسی، ۱۳۸۶: ۶۵). حال با توضیحات فوق و بیان عدم تأیید اسحاق بن محمد از سوی دانشمندان رجالی، چرا شیخ مفید به روایات وی اعتماد کرده است؟

برای این موضوع می‌توان سه پاسخ ارائه کرد:

- اول اینکه نوع نگاه منفی دانشمندان علم رجال بغداد به مفضل بن عمر باعث تضعیف اسحاق بن محمد شده، زیرا وی در روایتی به نقل از ابن کثیر ثقفی به موضوع مدح مفضل در حضور امام صادق(ع) اشاره کرده است. در قرن سوم شرایطی به وجود آمد که غلات و مفوضه (خصوصاً مفوضه) آزادی عمل پیدا کردند و بر اساس روایاتی که منسوب به ائمه اطهار(ع) می‌کردند همچون روایت «نزلونا عن الربوبیه و قولوا فینا ما شئتم» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۲۱)، بسیاری از مواردی را که می‌خواستند وارد اعتقادات شیعه کردند. ایشان برای اینکه مواضع خود را مستحکمتر کنند، روایات زیادی را در فضایل مفضل و سایر بزرگان گذشته خود از زبان ائمه(ع) روایت کردند (مدرسی، ۱۳۸۶: ۸۲). همین مطلب می‌تواند دلیلی باشد تا دانشمندان رجالی به روایان این دست از روایات به دیده بدبینی بنگرند (بهبهانی، ۱۴۲۲: ۲۸۵-۲۸۶).

- دوم آنکه اسحاق بن محمد روایاتی را نقل کرده که شائبه غلو دارد. مثلاً از ابوهاشم روایتی را نقل می‌کند که مضمون آن دلالت بر امر «بدا» در مسئله امامت می‌کند.<sup>۷</sup> البته شیخ مفید بدا را آشکار شدن تقدیری از جانب خداوند می‌داند (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۸۰).

- سومین پاسخی که می‌توان در خصوص اسحاق بن محمد مطرح کرد و به نظر دقیق‌تر و محققانه‌تر می‌رسد اینکه کلینی و به تبع او شیخ مفید از روایات اسحاق بن محمد پالایش شده استفاده کرده‌اند، بدین معنا که اسحاق بن محمد دارای کتبی است که در آنها اندیشه‌های غالبانه منعکس شده است. او در کنار این نگاه‌ها کتابی با عنوان «خبار السید» داشته که البته به دست ما نرسیده و احتمالاً محتوای صحیحی داشته است و کلینی روایات آن را با واسطه علی بن محمد علان کلینی و محمد بن جعفر ابی‌عبدالله اسدی کوفی از وی نقل کرده است. همچنین این احتمال می‌رود که این کتاب قبل از آنکه اعتقادات اسحاق بن محمد به انحراف کشیده شود از سوی او نگاشته شده است (باقری، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

از این مطلب می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که از منظر متقدمان اصل در قبول یا رد یک حدیث، حصول علم و دستیابی به قرینه برای صدور حدیث از سوی معصوم بوده و صرفاً بابت اینکه در طریق نقل روایتی فرد یا افراد ضعیف و متهم دیده شوند آن روایت کنار گذاشته نمی‌شود.

## ۲-۳-۲. جعفر بن محمد بن مالک فزاری

جعفر بن محمد بن مالک فزاری کوفی از روایان پرکاری است که می‌توان نام او را در اکثر آثار حدیثی مشاهده کرد، به‌عنوان مثال صاحبان کتب اربعه به وی اعتماد کرده‌اند و احادیثش را نقل کرده‌اند. شیخ مفید نیز از وی به

<sup>۷</sup> و در خصوص وی می‌گوید: «اسحاق بن محمد بن أحمد بن أبان بن مزار یکنی أبایعقوب، فاسد المذهب، کذاب فی روایت، وضاع للحدیث، لایلتفت الی ما رواه و لایرتفع بحدیثه و للعیاشی معه خبر - فی وضعه للحدیث - مشهور».

<sup>۸</sup> بدین ترتیب که بعد از مرگ محمد پسر امام هادی(ع) در خصوص امر امامت «بدا» صورت گرفت و فرزند دیگر امام، یعنی امام حسن عسکری(ع) برای امامت امت پس از پدرش معرفی شد. شیخ مفید در الارشاد چند روایت با این مضمون از اسحاق بن محمد آورده است.

نقل روایت پرداخته است. این در حالی است که اکثر دانشمندان علم رجال به تضعیف وی پرداخته‌اند یا حداقل می‌توان گفت که در خصوص وی اختلاف نظر زیادی وجود دارد.<sup>۹</sup>

دلیل این اختلاف این است که بیشترین روایاتی که از جعفر بن محمد نقل شده است در زمینه تأویل آیات بر ائمه اطهار(ع)، مسائل مربوط به امام زمان(عج) و غیبت ایشان، فضائل و علوم اهل بیت(ع)، اخلاق و بخش اندکی روایات غرائب می‌باشد. ناگفته پیداست که نقل این قبیل روایات می‌تواند راوی را در مظنّ اتهام به غلو قرار دهد. این واقعیتی فراگیر در تاریخ حدیث شیعه است که هرگاه شیعیان با روایاتی غریب و ناآشنا با آموزه‌های متداول شیعی مواجه می‌شدند، آن روایت و در پی آن راوی حدیث را تضعیف می‌کردند (حسینی شیرازی، ۱۳۹۸: ۶۴۷). البته در مقابل حجم روایات صحیح نقل‌شده از او و نقل روایت افراد جلیل‌القدری همچون محمد بن یحیی العطار، محمد بن همام بن سهیل، حسین بن علی بن سفیان و احمد بن ادريس قمی و سایر کسانی که قبل‌تر عنوان شد، باعث می‌شود تا به ضعف وی به دیده تردید نگاه شود و حداقل - همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد - تنها می‌توان منفردات وی را کنار گذاشت اما سایر روایات مشترک وی با افراد ثقه پذیرفته خواهد بود. در اصطلاح دانشمندان علم رجال چنین موضعی را «تعارض توثیق مدلل با تضعیف مدلل» می‌گویند. این اصطلاح بدین معنی است که میان دانشمندان رجالی در خصوص یک راوی تعارض وجود دارد. برخی وی را توثیق کرده و شاهد می‌آورند و بعضی دیگر با ادله خود وی را تضعیف می‌کنند.

### ۲-۳-۳. محمد بن سنان

نجاشی نام کامل وی را محمد بن حسن بن سنان زاهری می‌گوید اما چون در کودکی پدر خود را از دست داده و در دامان جدش، سنان، پرورش می‌یابد به نام محمد بن سنان معروف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ش ۸۸۸). محمد بن سنان یکی دیگر از راویان پرکاری است که دانشمندان علم رجال نظرات مختلفی را درباره او ارائه کرده‌اند. شیخ مفید نیز در کتاب الارشاد بسیار از وی به نقل روایت پرداخته است. کثی در مواضعی از کتاب خود او را تأیید می‌کند و ممدوح می‌داند و روایتی از معصوم در مدح وی ذکر می‌کند و در جایگاهی دیگر او را تأیید نمی‌کند و حتی از او به‌عنوان غالی و کذاب یاد می‌کند (کثی، ۱۴۹۰: ۷۶). شیخ طوسی نیز در کتاب رجال و فهرست خود او را ضعیف و مطعون می‌داند (طوسی، ۱۳۵۶: ۴۲۳، ش ۱۶۷۴).

جز این مورد، درباره محمد بن سنان روایاتی شامل مدح از ائمه اطهار(ع) نقل شده و در مقابل، در روایتی وی مورد لعن امام صادق(ع) قرار گرفته که قطعاً دانشمندان رجال همچون شیخ طوسی، کثی، نجاشی، شیخ مفید و سایرین این روایات را دیده‌اند و با در نظر گرفتن همه جوانب، افرادی همچون شیخ طوسی حکم به ضعف او کرده و شیخ مفید روایات او را صحیح دانسته و از آنها بهره برده و به نقل آن پرداخته است (طاهایی، ۱۳۷۲: ۸۶).

### ۲-۳-۴. محمد بن علی ابوسمینه

محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی معروف به محمد بن علی ابوسمینه از روایانی است که شیخ مفید مکرر از وی به نقل روایت پرداخته است. او در ردیف ضعیف‌ترین راویان شیعی به شمار می‌آید که دانشمندان رجالی وی را تضعیف کرده‌اند.<sup>۱۰</sup>

<sup>۹</sup> نجاشی در خصوص جعفر بن محمد می‌گوید: «كان ضعيفا في الحديث قال أحمد بن الحسين كان يضع الحديث وضعا و يروي عن المجاهيل و سمعت من قال كان أيضا فاسد المذهب و الرواية و لا أدري كيف روى عنه شيخنا النبيل الثقة أبو علي بن همام و شيخنا الجليل الثقة أبو غالب الزراري رحمهما الله» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۲). ابن‌غضائری نیز در خصوص وی این‌گونه می‌گوید: «كذاب متروك الحديث جملة و في مذهبه ارتفاع و يروي عن الضعفاء و المجاهيل و كل عيوب الضعفاء مجتمعة فيه» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۸/۱). اما شیخ طوسی در کتاب رجال خود درباره جعفر بن محمد می‌گوید: «كوفي، ثقه، و يضعفه قوم، روى في مولد القائم أعاجيب» (طوسی، ۱۳۵۶: ۴۱۸، ش ۶۰۳۷).

<sup>۱۰</sup> به‌عنوان مثال کثی در بخشی از گزارشش که به بیان دیدگاه فضل بن شاذان می‌پردازد، چنین آورده است: «و ذكر الفضل في بعض كتبه: الكذابون المشهورون ابو الخطاب و يونس بن ظبيان و يزيد الصانع و محمد بن سنان و ابوسمينة اشهرهم» (کثی، ۱۳۶۵: ش ۱۰۳۳). البته کثی در روایت شماره ۱۰۳۲ وی را متهم به غلو نیز می‌داند. ابوسمینه از جمله روایانی است که احمد بن محمد بن عیسی وی را از قم اخراج کرده است. نجاشی و ابن‌غضائری این موضوع را در رجال خود ذکر کرده‌اند. (ابن‌غضائری، بی تا: ش ۱۳۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ش ۸۹۴).



نتیجه توضیحات و مثال‌های فوق آن است که درنگ در آثار دانشمندان رجالی باعث می‌شود که برخی از روایات راویان ضعیف، اندک یا بسیار، مورد پذیرش قرار بگیرد. به دیگر سخن می‌توان گفت گستره تخریبی مفهوم ضعف در نگاشته‌های رجالی، کمتر و محدودتر خواهد شد. این اتفاق زمانی رخ خواهد داد که دامنه ضعف روایات راوی مشخص شود. یعنی به محض اینکه در توصیف یک راوی گفته شد «ضعیف» یا سایر واژه‌ها و عباراتی که دلالت بر ضعف می‌کند، تمام روایات او تحت الشعاع این مطلب قرار نگیرد، بلکه مشخص شود که کدام دسته از روایات وی قابل اعتناست و کدام دسته مطرود می‌باشد.

بر این اساس می‌توان گفت که باید راویان موجود در سند روایت مورد بررسی قرار بگیرند و به محض وجود یک راوی ضعیف در سند، کل سند و روایت را طرد نکرد. به قول معروف نباید گفت زور یک راوی ضعیف از چند راوی ثقه بیشتر است. بلکه باید آن راوی ضعیف و روایت مورد بررسی قرار بگیرد تا هم در حق روایت جفا نشود و هم اینکه مشخص شود چرا افراد ثقه به روایت راوی ضعیف اعتماد کرده‌اند. موضوعی که درخصوص افراد بزرگی همچون شیخ کلینی و شیخ مفید مشاهده می‌کنیم که به محض مواجهه با یک راوی ضعیف تمام احادیث وی را نادیده نمی‌انگاشتند، بلکه تنها از روایات سستی که از نشانه‌های باورپذیری تهی بودند اعراض می‌کردند. در حقیقت می‌توان گفت تنها احادیث منفرد راویان ضعیف از نگاه متقدمان محل پذیرش نداشته است (حسینی شیرازی، ۱۳۹۸: ۲۱۶).

### ارزیابی سندی روایات کتاب «الارشاد» (فصل زندگانی امام سجاده (ع) تا حضرت حجت (ع))

در ادامه، روایات مربوط به تاریخ زندگانی امام سجاده (ع) تا امام عصر (ع) را به‌لحاظ سندی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم تا میزان اعتبار و وثاقت روایات این اثر معلوم شود.

#### ارزیابی روایات زندگانی امام سجاده (ع)

با بررسی روایات بخش زندگانی امام سجاده (ع) و استخراج نام راویان و منبع روایات به ارزیابی این روایات پرداخته شده است. لازم به‌ذکر است در بررسی راویان ابتدا از کتب اربعه رجالی بهره گرفته شده و در صورت نیاز به کتب متأخران رجوع شده است.

شیخ مفید در این بخش، ۲۴ روایت آورده که در بین آنها هیچ روایت صحیح‌السندی مشاهده نمی‌شود. تنها یک روایت حسن در بین روایات به چشم می‌خورد و جمعاً ۲۰ روایت ضعیف، اعم از مسند و مرسل، و ۳ روایت بدون سند وجود دارد. در این فصل، شیخ مفید ۱۵ روایت از ۲۴ روایت را از ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی، معروف به ابن اخی‌ظاهر نقل کرده (۶۲ درصد از کل روایات) که دانشمندان علم رجال وی را تضعیف کرده‌اند و فقط روایاتی را از وی پذیرفته‌اند که از کتاب جدش، یحیی بن الحسن بن جعفر بن عبیدالله بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب، معروف به عبیدلی نقل کرده باشد. شیخ مفید نیز صرفاً روایاتی را از او نقل می‌کند که از کتاب جدش روایت کرده است.

درباب فراوانی راویان از نظر وثاقت، بالاترین حجم فراوانی مربوط به راویان مجهول است، و راویان امامی ثقه، راویان ضعیف، و راویان غیرامامی ثقه، در رتبه‌های بعد قرار دارند. البته این نکته قابل‌توجه است که امروزه بسیاری از راویان که ذکری از ایشان در کتب رجالی نشده برای ما مجهول محسوب می‌شوند، اما چه‌بسا بسیاری از این راویان که شیخ مفید به خودشان یا به روایتشان اعتماد کرده، نه‌تنها برای وی مجهول نبوده‌اند، بلکه مورد وثوق نیز بوده‌اند.

درخصوص ارزیابی روایات باید گفت که روایات شیخ در این بخش از شرایط صحت (طبق نظر متأخران) برخوردار نبوده و بیشترین فراوانی مربوط به روایات ضعیف می‌باشد.

### ۱. ارزیابی روایات زندگانی امام باقر علیه‌السلام

---

با وجود همه این توصیفات، کلینی در بخش‌هایی از کافی به نقل روایاتی پرداخته که در سند آنها نام محمد بن علی ابوسمینه مشاهده می‌شود، به‌عنوان مثال در ابوابی همچون «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حِجَّةٍ»، «أَنَّ الْأُمَمَةَ (ع) أَتَوَا الْعِلْمَ وَ أَثْبِتَ فِي صَدْرِهِمْ»، «عَرَضَ الْأَعْمَالُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَ الْأُمَمَةَ (ع)» روایاتی را آورده که نام محمد بن علی ابوسمینه در میان راویان آنها دیده می‌شود و این روایات با روایاتی که دارای سند صحیح و محکمی است تأیید می‌شوند.

شیخ مفید در بخش زندگانی امام باقر(ع)، ۲۶ روایت نقل کرده است که در میان آنها تنها یک روایت از شرایط صحت حدیث برخوردار می‌باشد و در مقابل ۶ روایت بدون سند، و ۱۹ روایت ضعیف‌السند در این بخش آمده است. در این بخش نیز شیخ مفید تعداد ۹ روایت از ۲۶ روایت را از ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی نقل کرده (۳۵ درصد) که نشان‌دهنده استفاده پربسامد شیخ مفید از این مرجع روایی می‌باشد.

بر اساس پژوهش صورت‌گرفته، تعداد ۴۵ روای مجهول، ۱۹ روای امامی ثقه، ۹ روای ضعیف، ۴ روای غیرامامی ثقه و ۱ روای امامی ممدوح در این بخش به چشم می‌خورد. تعداد زیاد روایان ضعیف در این بخش باعث شده تا شاهد هیچ روایت صحیح‌السندی در فصل زندگانی امام باقر(ع) نباشیم. البته گفتنی است که وجود روایات ضعیف در نقل‌های تاریخی خدشه عمده‌ای در کار مورخ ایجاد نمی‌کند، هرچند وجود روایات صحیح ارزش کار را بالا می‌برد.

### ج. ارزیابی روایات زندگانی امام صادق(ع)

در این فصل شیخ مفید، تعداد ۲۵ روایت نقل کرده که از این تعداد، ۱۷ روایت از کتاب کافی نقل شده و ۳ روایت از شیخ صدوق گرفته شده است (۱ روایت در *امالی* شیخ صدوق و ۲ روایت در توحید شیخ صدوق آمده است). در این بخش تعداد روایان امامی ثقه افزایش یافته و در مقابل، تعداد روایان ضعیف، به‌شدت روند کاهشی پیدا کرده است. همچنین آمار روایات صحیح به طرز چشم‌گیری با فصل قبل متفاوت می‌باشد. منشأ این تغییر را می‌توان در منابع و مآخذ شیخ مفید جستجو کرد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در این بخش تعداد ۶۰ روای ثقه، ۲۵ روای مجهول، ۵ روای غیرامامی ثقه، ۲ روای امامی ممدوح و ۱ روای ضعیف در بین روایات به چشم می‌خورد. همچنین از بین ۲۵ روایت این بخش، ۹ روایت صحیح، ۴ روایت ضعیف، ۱ روایت مستفیض و ۱۱ روایت بدون سند می‌باشد.

در این بخش طبق بررسی نگارنده، تعداد احادیث صحیح نسبت به روایات مربوط به بخش زندگانی امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) بیشتر شده و می‌توان علت آن را در دو موضوع جستجو کرد؛ یکی آنکه مآخذ روایات نقل‌شده تغییر یافته و دوم آنکه روایات دو بخش گذشته، برای شیخ مفید قطعیت صدور داشته و یا به هر شکل مورد اعتماد شیخ قرار گرفته است؛ گرچه با معیارهای متأخران، این روایات فاقد شرایط صحت حدیث می‌باشند.

### د. ارزیابی روایات زندگانی امام کاظم(ع)

در این بخش شیخ مفید ۲۴ روایت آورده که از این تعداد ۱۴ روایت در کتاب کافی، ۱ روایت در *عیون اخبار الرضا*، ۱ روایت در *مقاتل الطالبیین* آمده و در سند ۴ روایت نام ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی دیده می‌شود که وی نیز از کتاب جدش، عبیدلی، به نقل روایت پرداخته است. نکته قابل ذکر در اینجا آن است که پیش‌تر از قول دانشمندان علم رجال عنوان شد که ابن اخی‌ظاهر یک روای ضعیف است که از مجاهیل به نقل روایت می‌پردازد و به گفته‌ها و مرویات وی اعتمادی نیست، جز آنچه از کتاب جدش، عبیدلی، نقل کرده است. این قول به‌نوعی تأیید و صحه‌گذاشتن بر کتاب عبیدلی است، درحالی‌که در این بخش شاهد آن هستیم که ۳ روایت از ۴ روایت نقل‌شده از او، از درجه صحت برخوردار نیست و روایات ضعیف محسوب می‌شوند. طبیعتاً در صورتی‌که این روایات را در زمره روایات صحیح در نظر بگیریم، از تعداد روایات ضعیف کاسته می‌شود و تعداد روایات صحیح افزایش می‌یابد. البته همین امر در خصوص روایات مربوط به دوران زندگانی امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) نیز صادق است.

در بخش زندگانی امام کاظم(ع) نیز تعداد روایان امامی ثقه نسبت به بخش‌های قبل درصد بالاتری را به خود اختصاص داده و تنها ۳ روای ضعیف در این بخش به نقل روایت پرداخته‌اند. البته که ۲۶ روای مجهول در این قسمت به‌چشم می‌خورد که ذکری از ایشان در کتب رجالی نشده است. لازم به ذکر است در روایات این بخش ۴۳ روای ثقه و ۱ روای امامی ممدوح وجود دارد.

بر اساس پژوهش صورت‌گرفته، از آنجاکه تعداد روایان مجهول در بخش زندگانی امام کاظم(ع) زیاد است، طبیعتاً تعداد روایات ضعیف نیز بالا می‌رود. به‌همین‌خاطر مشاهده می‌شود که تنها ۶ روایت صحیح‌السند در مقابل ۱۸ روایت ضعیف وجود دارد.

### ه. ارزیابی روایات زندگانی امام رضا(ع)

در این بخش شیخ مفید ۲۵ روایت نقل کرده است که در این میان تعداد ۲۰ روایت در کافی، ۱ روایت در عیون اخبار الرضا، و ۱ روایت در مقاتل الطالبیین وجود دارد. همچنین شیخ مفید ۳ روایت را از کتاب عبیدلی ذکر کرده است. نکته قابل توجه در این بخش این است که از ۲۵ روایت موجود، تعداد ۲۱ روایت ضعیف‌السند است و تنها ۴ روایت صحیح‌السند وجود دارد که یکی از علل آن وجود «محمد بن علی ابوسمینه» در سلسله سند می‌باشد. وجود «محمد بن علی ابوسمینه» از یک سو، و همچنین نقل روایت از «محمد بن سنان زاهری» باعث شده تا برخی از دانشمندان به شیخ مفید خرده بگیرند و چهره غلوستیز وی را زیر سؤال ببرند و عنوان کنند که شیخ، علی‌رغم اعتقاداتش، در کتاب الارشاد چهره‌ای فراطبیعی از ائمه اطهار (ع) ارائه کرده است. البته وجود برخی روایات نیز در کتاب الارشاد بر اعتقاد این دسته صحه می‌گذارد که توضیح این مطلب در حوصله این مقال نیست. بر اساس تحقیق صورت‌گرفته، از مجموع ۶۸ روای این بخش، ۴۰ روای امامی ثقه، ۲۵ روای مجهول، ۲ روای ضعیف و ۱ روای غیر امامی ثقه می‌باشند.

#### و. ارزیابی روایات زندگانی امام جواد (ع)

در این بخش، شیخ مفید از ۱۶ روایت نقل شده، ۱۵ روایت را با واسطه استادش ابن قولویه از شیخ کلینی و کتاب کافی نقل کرده است. در میان روایات مذکور، ۳ روایت صحیح، ۱ روایت موثق و ۱۲ روایت ضعیف وجود دارد و تکرار اسم «محمد بن علی ابوسمینه» در میان روایان نسبتاً قابل توجه است. در میان روایان تعداد ۲۷ روای امامی ثقه وجود دارد و تنها ۳ روای ضعیف و ۱ روای غیر امامی ثقه در سند روایات به چشم می‌خورد.

#### ز. ارزیابی روایات زندگانی امام هادی (ع)

در این فصل، شیخ مفید ۱۱ روایت آورده که تمامی روایات از کتاب کافی نقل شده است. در روایات این فصل دیگر اسمی از محمد بن علی ابوسمینه به چشم نمی‌خورد. مطابق بررسی صورت‌گرفته هیچ روای ضعیفی در میان سند روایات دیده نمی‌شود. ۱۳ روای امامی ثقه هستند و ۱۱ روای مجهول می‌باشند؛ یعنی در کتب رجالی توضیحی در خصوص ایشان وجود ندارد. همچنین در این بخش، تنها ۲ روایت صحیح‌السند می‌باشد و ۹ روایت دیگر به‌خاطر وجود روایان مجهول در سند ضعیف هستند.

#### ح. ارزیابی روایات زندگانی امام حسن عسکری (ع)

شیخ مفید در این بخش ۲۹ روایت آورده که تمامی روایات از کتاب کافی نقل شده است. در این فصل، نام «اسحاق بن محمد بن احمد نخعی» به چشم می‌خورد که دانشمندان علم رجال وی را تضعیف کرده‌اند.<sup>۱۱</sup> تعداد روایان ثقه امامی در میان روایات ۱۶ نفر، روایان ضعیف ۳ نفر و روایان مجهول ۳۹ نفر می‌باشد. حجم بالای روایان مجهول در این فصل باعث شده که تنها یک روایت صحیح‌السند در میان روایات باقی بماند و تعداد ۲۸ روایت ضعیف‌السند محسوب شوند.

#### ط. ارزیابی روایات زندگانی امام زمان (ع)

با توجه به روایان و مطالب این بخش، مشخص می‌شود که پرداختن به دوران امام عصر (عج) برای شیخ مفید از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده، به‌طوری که بعد از فصل زندگانی حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) یکی از مفصل‌ترین فصول است.

بر اساس پژوهش صورت‌گرفته در بخش مربوط به زندگانی امام عصر (عج)، مشاهده می‌کنیم که میزان روایان امامی ثقه از فراوانی خوبی برخوردار است (۸۰ روای)، هرچند تعداد روایان مجهول نیز اندک نیست (۵۳ روای)، اما باید به این نکته دقت داشته باشیم که چه‌بسا روایان مجهول در عصر ما ناشناس هستند و برای شیخ مفید چنین مطلبی موضوعیت نداشته است. نکته دیگر آنکه تعداد روایان ضعیف (۱۰ روای) در مقایسه با روایان ثقه، بسیار اندک می‌باشد و تنها ۴ روای غیر امامی ثقه و ۱ روای امامی ممدوح در سند روایات این بخش وجود دارد.

<sup>۱۱</sup> در خصوص وی در قسمت «دلایل استفاده شیخ مفید از روایات روایان ضعیف» ذیل عنوان «روایت ضعیف و روای ضعیف» به صورت مشروح بحث شد.

در این بخش شیخ مفید، تعداد ۳۸ روایت صحیح، ۱ روایت حسن، ۳ روایت موثق، ۴۵ روایت ضعیف و ۲ روایت بدون سند آورده است. با توجه به این که روایات این بخش از اهمیت زیادی در زمان شیخ مفید برخوردار بوده و یکی از وظایف و مأموریت‌های خطیر علما و دانشمندان شیعه، ایجاد ارتباط میان مردم و مفهوم غیبت بوده است، لذا می‌بینیم که تعداد احادیث این بخش نسبت به سایر بخش‌ها از فراوانی و کثرت بیشتری برخوردار است و شیخ تلاش کرده از احادیث معتبر در این بخش بهره ببرد.

### نتیجه‌گیری

در دانش حدیث‌شناسی برای کشف میزان اعتبار، و سپس رسیدن به درک صحیح از یک روایت، چند گام اساسی را در پیش رو داریم. موضوع این پژوهش بررسی اعتبار اسناد و میزان ابتدای کتاب *الارشاد* شیخ مفید بر آثار قبلی ایشان، فارغ از مواجهه فقه‌الحدیثی با این کتاب و پرداختن به محتوای روایات آن است. در این مقاله برای نقد سندی روایات موجود در کتاب *الارشاد* ابتدا به توضیح مفاهیم اساسی، از جمله حکم رجالی، وثاقت و ضعف سندی و روات پرداخته شده و دلایل نقل روایات راویان ضعیف از سوی شیخ مفید مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این دلایل می‌توان به اختلاف در باورهای کلامی راویان حدیث و نسبت راویان با غلات اشاره کرد. در ادامه به بررسی چهار نفر از راویان ضعیفی که شیخ مفید به روایات آنها در بخش‌های مختلف کتاب *الارشاد* استناد کرده پرداخته شده است.

در پایان نیز روایات مربوط به بخش زندگانی امام سجاد(ع) تا امام عصر(عج) مورد بررسی سندی قرار گرفته که به شرح ذیل می‌باشد؛

شیخ مفید در بخش زندگانی امام سجاد(ع) تا امام عصر(عج) ۲۶۹ روایت آورده که از این مقدار ۶۴ روایت صحیح، ۲ روایت حسن، ۴ روایت موثق، ۱ روایت مستفیض، ۱۷۶ روایت ضعیف و ۲۲ روایت بدون سند می‌باشد. هرچه از نظر زمانی به دوران حیات شیخ مفید نزدیکتر می‌شویم، از تعداد راویان مجهول و ضعیف کاسته می‌شود و ابتداء منابع به کافیه و سایر مآخذ قابل اعتنا و اعتماد بیشتر می‌شود به گونه‌ای که این موضوع از فصل مربوط به امام صادق(ع) به وضوح قابل مشاهده است. ضمن آنکه باید توجه داشت که تا قرن اول هجری اکثر قریب به اتفاق آثار تاریخی مربوط به مورخان اهل سنت است. در کل، نتیجه بررسی نشان می‌دهد که درباب روایات مربوط به دوران سه امام نخست، بسامد روایات ضعیف و بعضاً مجعول بالاتر است و درباب دوران نه امام آخر، تقریباً هیچ حدیث مجعولی به چشم نمی‌خورد و هرچه به آخر کتاب نزدیک می‌شویم از میزان احادیث ضعیف کاسته می‌شود.

### منابع و مآخذ:

۱. ابن‌غضائری؛ *الرجال*؛ قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، بی‌تا.
۲. احسانی، ابن‌ابی‌جمهور؛ *عوالی اللالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة*؛ قم: سیدالشهدا، ۱۳۶۱.
۳. باقری، حمید؛ «*الكافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق*»؛ رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره 98، ۱۳۹۶، ص ۹-ص ۲۸.
۴. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل؛ *تعلیقه بر منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال*؛ محمد بن علی استرآبادی، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۲۲ق.
۵. تجری، محمدعلی؛ «*مبانی و منهج حدیثی شیخ مفید*»؛ رساله دکتری، دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
۶. حسینی شیرازی، سید علیرضا؛ *اعتبارسنجی احادیث شیعه*؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و موسسه رهجویان راه امام هادی(ع)، ۱۳۹۸.
۷. ابراهیم بن هاشم؛ *بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت*؛ تهران: نشر رود آبی، ۱۴۰۱.
۸. خانجانی، قاسم؛ «*منابع شیخ مفید در گزارش‌های تاریخی*»؛ تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۹، ۱۳۸۷، ص ۲۱-ص ۴۰.
۹. سیستانی، سیدمحمد رضا؛ *قبسات من علم الرجال*؛ بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۳۷.

۱۰. شبیری زنجانی، سیدمحمدجواد؛ «**حیات شیخ مفید (آثار شیخ مفید)**»؛ نشریه نور علم، شماره ۴۵، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱-ص ۱۴۶.
۱۱. \_\_\_\_\_؛ «**گذری بر حیات شیخ مفید**»، دوره ۱، نشریه مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ۱۳۹۲، ص ۵-ص ۴۲.
۱۲. صفار، محمد بن حسن **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد**، قم، مکتبه آیت الله المرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۱۳. صفری فروشانی، نعمت الله؛ «**الارشاد و تاریخ نگاری زندگانی انمه علیهم السلام**»، شیعه شناسی، سال نهم، شماره ۲۲، ۱۳۸۷، ص ۳۷-ص ۷۶.
۱۴. طاهایی، سیدمحمد مهدی؛ **کارکرد روایات در توثیق و تضعیف روایان**، قم: نشر معارف اهل بیت الطاهریین علیهم السلام، ۱۳۷۲.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن؛ **الفهرست**؛ نجف: مکتبه مرتضویه، ۱۳۵۶ق.
۱۶. \_\_\_\_\_؛ **اختیار معرفة الرجال**؛ قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۴.
۱۷. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۶ش). **رجال الطوسی**، قم، جماعه المدرسیین فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۸. «**غلات از دیدگاه شیخ مفید**»؛ جمعی از نویسندگان؛ مجله حوزه، شماره ۵۴، ۱۳۷۱، ص ۱۹۱-ص ۲۴۶.
۱۹. کشی، محمد بن عمر؛ **رجال الکشی**؛ مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۲۱. لواسانی، سید محمدرضا؛ **نقش باورهای کلامی در داوری رجالیان متقدم**؛ قم: نشر معارف اهل بیت الطاهریین علیهم السلام، ۱۳۶۸.
۲۲. مدرس، سید حسین؛ **مکتب در فرآیند تکامل**، تهران: کویر، ۱۳۹۴ش.
۲۳. معصومی مقدم، محمد؛ **نقش نقادی متن در داوری رجالیان متقدم**؛ قم: نشر معارف اهل بیت طاهریین علیهم السلام، ۱۳۶۵.
۲۴. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد؛ **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۵. \_\_\_\_\_؛ **الفصول المختاره من العیون و المحاسن**؛ قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ الف.
۲۶. \_\_\_\_\_؛ **اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات**؛ تحقیق سید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ب.
۲۷. \_\_\_\_\_؛ **التذکره بأصول الفقه**؛ قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ج.
۲۸. میرحسینی، مرضیه سادات؛ پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «**مبانی فقه الحدیثی شیخ مفید**». دانشگاه مازندران، ۱۳۹۱.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی؛ **رجال نجاشی**؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
۳۰. نساج، مریم؛ پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «**بررسی تطبیقی مبانی و روش علامه مجلسی و شیخ مفید در نقل، فهم و نقد روایات تاریخی**»، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۵.
۳۱. هدایت پناه، محمدرضا؛ «**دستیابی به تاریخ یقینی؛ بررسی مقایسه ای روش شناسی تاریخی سه متکلم تاریخی گرا (شیخ مفید، قاضی عبدالجبار معتزلی، ابن حزم اندلسی)**»، تاریخ اسلام، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز، شماره مسلسل ۵۵، ۱۳۹۲، ص ۷-ص ۴۴.